ناتور رحمانی ۴ جون ۲۰۱۴

(اسارت شعر)

ز شهر ما که صدای به آ سمان نرسید !
مگر به پیکر خونین کس زیان نرسید ؟
صدای شیون زنجیر برده گان ستم
ز تنگنای حوادث به پاسبان نرسید
وطن جزیرهٔ متروک بی صدا گشته
تو گوئی کارد به حلقوم زنده جان نرسید
حکایتیست ز بیداد شبروان طریق
کسی ز ترس به معبود آ نچنان نرسید
تنور گرم تباهی شرر زند هستی
در حیرتم که چرا جرقه بر جهان نرسید
ببین اسارت شعر را عزیز بزم سخن
ز پشت میله به پا بوس رهروان نرسید
کجاست (کاوه) و (آرش) بمن بگو(ناتور)
چرا صدای ستوران آنکسان نرسید ؟

زندا ن پلچرخی